

ابزار تولید

چه حقی دارد؟

بیایید واقعیت‌ها را فریبنده انحرافی نکنیم!

بخت در این بود که آیا ابزار تولید، حق عادلانه‌ای از درآمد و محصول کار دارد یا نه؟ گروهی آنرا انکار می‌کنند و دلالی دارند که دونه‌ته آنرا قبلا خواندیم و تارسانی آنرا مشاهده کردیم. اکنون بدلائل دیگر آنها گوش فرا دهید:

سومین دلیل طرفداران عدم تعلق چیزی از سود به ابزار تولید این بود که انکار موجب بی‌کاری و کم‌کاری عمده‌ای از افراد جامعه است چرا که عمده‌ای از افراد کار نمی‌نشینند و تنها سرمایه‌هایشان کار می‌کند.



نه می‌توانند با بهره‌مونی سرمایه‌ای گرد آورند و آن با صورت دسته‌جمعی دولت مؤسسه تولیدی بکارند.

فی‌المثل گروه زیادی هستند که بصورت معلم و استاد دانشگاه و کارمند در تشکیلات مختلف آموزشی و اداری بکارند و وقت مشغولند که با صرفه‌جویی در مصرف می‌توانند معنی از حقوق خود را فخر کرده و در مؤسسات تولیدی بکارند زیرا در این زمینه دلیل ما جز اینگونه اعمالیهای موند را بگیریم.

بنا بر این کار باید در جامعه جنبه همکاری پیدا کند و ارتباط به‌این‌طور ضرورت برای زندگی نداشته باشد و این مربوط به نوع فرهنگ جامعه است که چگونه کار را ترسیم کند و از آن یک وظیفه و جهاد بسازد، بلکه مسئله آب و نان.

حساب مالیت از حق ابزار جدا است

دلیل دیگر آنها این بود که استفاده از ابزار تولید و بکار انداختن سرمایه بدون بهره‌گیری از خدمات عمومی (آموزشی، بهداشتی، درمانی، ... و غیره) غیر ممکن است و پرداختن ما برای این خدمات چیزی جز جبران استهلاک برای صاحب ابزارهایی نمی‌گذارد.

اما استدلال عجیبی است:

زیرا هر دولت صالحی موظف است هزینه لازم برای اینگونه خدمات عمومی را از طریق مالیات عادلانه از مردم متناسب امکانات آنها دریافت دارد. فرض ما این است که کارخانه یا مؤسسات تولیدی دیگر بعد از پرداختن این مالیات عادلانه باز هم سود دارد. بخت در این است که چرا بخش کوچکی از این سود را به ابزار اختصاص ندهیم.

اما شما مسأله مالیات را بیش می‌کنید که مانند سایر هزینه‌های خصوصی و عمومی تولید جای بحث نیست. (دقت کنید)

مزد کارگر قیمت استهلاک نیروی او

نمست:

آنها در استدلال دیگر خود می‌گویند مزد کارگر در برابر استهلاک نیروهای او است پس چگونه ممکن است ابزار تولید که محصول کار است حق جبران استهلاک داشته باشد آنها این زیادی نوع بر اصل نیست.

این سخن از دو جهت اشتباه است - نخست اینکه هر یکس حتی ما را نسبت به برای پرداختن مزد کارگر رابطه آنرا با استهلاک بدنی او در نظر نمی‌گیرد بلکه رابطه آنرا با ایجاد ارزش و بازده محصول در نظر می‌گیرند. و به تعبیر دیگر کارگزارش را تولید کرده در بهای می‌دارد نه قیمت نیروی او که مصرف کرده است به همین دلیل هر قدر ارزش حاصل شده بیشتر باشد مزد کارگر بیشتر خواهد بود. و هر چند از نظر بدنی نیروی کمتری مصرف کرده باشد و هر قدر ارزش حاصل کمتر باشد مزد او کمتر است هر چند استهلاک بدنی بیشتری داشته باشد.

دیگر این که بهای استهلاک بدنی او می‌تواند بهیچ باز نشستی تشبیه کرد. ما سخن از حق باز نشستی نداریم چرا که بخشی از استحقاق کارگر است، نه تمام استحقاق او کارگر بخشی را در حال اشتغال بکار می‌گیرد و بخشی را که شبیه به حق استهلاک است بهنگام باز نشستی، مامی گوئیم چه مامی داریم هر دو بخش را بصورت عادلانه‌ای برای ابزار تولید در نظر بگیریم تا جرح‌های اقتصاد حرکت در آید. تا زمینه کار بیشتر فراهم گردد تا منفعت کارگر بصورت صحیحتری تأمین شود.

لطفاً ورق بزد

ابزار تولید چه حقی دارد؟

مؤسسات خصوصی بالا برد ، یعنی همان اندازه که یک گروه صاحب ابزار تولید برای افزایش تولید تلاش می کنند او هم تلاش کند .

آمارهای اقتصادی همه بما می گوید مؤسسات تولیدی هنگامی که دست دولتها می افتند تولیدشان فوراً پائین می آید ، و بجای اینکه سود بدو باشد زیان بده می شود .

و همانگونه که سابقاً نیز اشاره کردیم زمینهای کشاورزی در روسیه هنگامی که اثراتکی دولتی شد تولید آنها کاهش یافت اما وقتی که به صورت یک نوع مالکیت خصوصی (کالخور) درآمد سطح تولید بالا رفت .

از این گذشته آباکار گردانان دولت همیشه اثرات منفی نه ای هستند که بر منافع مردم نمی اندیشند و با ابریشکانی هستند که از آسمان بزمن برای خدمت ما آمده اند و می آیند ؟

آیا باز کردن زنجیر استوار را از دست وبای کارگر تبدیل آن به زنجیر دولت ، همان دولتی که احتمال خودکامی با توجه به مرکز قدرت های سه گانه اقتصادی و سیاسی و نظامی در او بسیار زیاد است خدمتی بکارگر محسوب می شود ؟

همچنین است که بتوانیم با استفاده از انگیزه های مختلف ، زمینه بیشتری برای کار فراهم سازیم ، میزان رشد اقتصادی را بالا ببریم .

و مهم این است که جامعه مردم را به ایجاد مؤسسات تولیدی تشویق کنیم ، و از مصرف نگاهیم . . . همه آنها در صورتی امکان پذیر است که ما کار را اساس قرار دهیم و سهم عمده را به آن بپردازیم در عین حال سهمی از درآمد برای ابزارفائل باشیم .

آنچه از مجموعه دلایل متکرران حق ابزار تولید بر می آید این است که آنها روی یک سلسله ملاحظات اجتماعی و شیوعهای اقتصادی که بیشتر جنبه خیالی یا عاطفی دارد نه منطقی و واقعی مایل هستند از هر طرفی شده است ، حق ابزار واقعی نماینده گمان اینکه با ابتکار خدمتی بکارگروها بد جامعه و بایه پیشبرد اهداف اقتصادی می کنند . در حالی که اگر درست بندهشم می بینم این نتیجه گیری های شعار گونه هم موجب توسعه بیکاری هم تنزل درآمد کارگروه و رکود و عقب ماندگی اقتصادی است اما اگر بازده کار بر اساس اولویت و اصالت کار و تبعیت ابزار را بصورت عادلانه تقسیم کنم بگونه ای که جامعه تبدیل به جامعه دولتی نشود بگونه ای که بیشترین سهم از آن کار باشد هم تولید کار بیشتر می شود ، و هم درآمد کارگر بالا می رود و هم رشد اقتصادی افزایش می یابد .

توسل به يك استدلال اخلاقی :

بعضی در اینجا يك استدلال اخلاقی دست می زنند و می گویند همه اینها را قبول داریم اما چه مائمی دارد که این عمل را دولت که نماینده مردم مردم است انجام دهد ؟ یعنی تمام ابزار تولید در اختیار دولت باشد ، و او مقداری از درآمد کار را بکارگران بدهد ، و قسمی از آن را برای توسعه سایر نگاهدارد که نتیجه این توسعه ، باز عائد خود آنها می شود . (۱)

ولی چه کسی است که نداند دولت هرگز نمی تواند سطح داسوزی و مراقبت خود را بمیزان

۱ - تلخیص از کتاب اقتصاد ساده